

تأثیر توانایی مدیریتی بر سرمایه گذاری در سرمایه فکری شرکت‌ها

حامد بهرامی سعادت آبادی^۱

خسرو مرادی شهدادی^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

چکیده

محیط فعالیت شرکت‌ها به سرعت در حال رشد و بسیار رقابتی است و شرکت‌ها به منظور ادامه حیات، مجبور به رقابت با عوامل متعددی در سطح ملی و بین‌المللی و گسترش فعالیت‌های خود از طریق سرمایه‌گذاری‌های جدید می‌باشند. شرکت‌ها جهت سرمایه‌گذاری نیازمند منابع مالی هستند، لذا این امر با توجه به نحوه استفاده از منابع می‌بایست به خوبی مشخص شود تا شرکت بتواند سودآور باشد و این وظیفه مدیر مالی است که منابع تامین و نحوه‌ی استفاده از آن‌ها را تعیین نماید. باعنایت به اهمیت این مسأله، پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر توانایی مدیران بر سرمایه‌گذاری در سرمایه فکری طی سال‌های ۱۳۹۷ الی ۱۴۰۱ پرداخته شده است. روش پژوهش از نوع همبستگی مبتنی بر داده‌های پنل می‌باشد. در همین راستا، جامعه آماری این پژوهش متشکل از کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده که به روش حذف سیستماتیک ۱۰۵ شرکت انتخاب شدند. نتایج در خصوص فرضیه پژوهش نشان داد که توانایی مدیران با سرمایه‌گذاری در سرمایه فکری تأثیر مستقیم و معناداری دارد.

واژگان کلیدی

توانایی مدیریتی، سرمایه فکری، نیروی انسانی، نوآوری

۱- کارشناسی ارشد مدیریت مالی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران.

۲- گروه مدیریت مالی، واحد قشم، دانشگاه آزاد اسلامی، قشم، ایران. ایمیل: Khosro.moradi@iau.ac.ir (نویسنده مسئول)

مقدمه

در اقتصاد مدرن و بازار مالی یکپارچه، سرمایه فکری به تدریج نقش مهمی در تعیین اثربخشی مشاغل و همچنین تحولات کلی اقتصادی، مدیریتی، فناوری و جامعه شناختی ایفا می‌کند. سرمایه فکری مجموعه‌ای منحصر به فرد از دارایی‌های نامشهود است که می‌تواند به سودآوری یک شرکت کمک نماید (هوین و همکاران^۱، ۲۰۲۴). شرکت‌هایی که توسط مدیران عامل با توانایی‌های مختلف مدیریتی اداره می‌شوند، با نگرانی‌های مختلف شغلی روبرو هستند، دلیل منطقی این موضوع به منافع بلند مدت ارتباط دارد. لذا توانایی مدیران، بدین مفهوم است که از منابع در دسترس بیشترین کارایی به منظور تقویت عملکرد شرکت داشته باشند. شرکت‌ها نه تنها از اوراق بهادار و دارایی‌های مالی، بلکه از دارایی‌های نامشهود مانند مهارت‌های کارکنان (سرمایه انسانی)، نوآوری‌ها و پیشرفت‌های فناوری (سرمایه ساختاری) و روابط با مشتریان (سرمایه رابطه‌ای مستقیم)، ایجاد ارزش می‌کنند (روسی و همکاران^۲، ۲۰۲۱). مدیران عامل با سطوح مختلف صلاحیت (با نگرانی‌های شغلی متفاوت) الگوهای متفاوتی را در رابطه با سرمایه‌گذاری در سرمایه فکری نشان خواهند داد (ندیم و همکاران^۳، ۲۰۲۱). به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری در سرمایه فکری مبهم است زیرا یک شرکت نمی‌تواند نوع خاصی از سرمایه فکری مانند سرمایه انسانی را حفظ کند. هنگامی که افراد، شرکت را ترک می‌کنند، سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه نامشخص است، چرا که این امر ممکن دارد محصول یا طرح جدید به سطح مطلوب موفقیت در بازار نرسد. به طور مشابه، سرمایه‌گذاری برای ایجاد پایگاه مشتری قوی برای شرکت‌ها حیاتی است، با این وجود نمی‌توان از عدم اطمینان در حضور رقابت قوی و تغییر ترجیحات مصرف‌کننده به طور کامل جلوگیری کرد. لذا، انتظار می‌رود مدیران عامل با سطوح شایستگی متفاوت و اهداف متفاوت استراتژی‌های متفاوتی برای سرمایه‌گذاری در اجزای سرمایه فکری داشته باشند (ندیم و همکاران، ۲۰۲۱). ادبیات موجود نشان می‌دهد که سرمایه فکری نقش مهمی در بهبود کارایی هر دو بازار سرمایه و کار ایفا می‌کند (رجبعلی زاده و اورادی^۴، ۲۰۲۲). با این حال، در بازارهای نوظهور مانند ایران، که مکانیسم‌های نظارتی قوی (هم در سطح شرکت و هم در سطح بازار سرمایه) وجود ندارد (اورادی^۵، ۲۰۲۱)، مشکلات نمایندگی بیشتر می‌شود و ممکن است اهداف شخصی مدیران با منافع ذینفعان در تضاد باشد (جنسن و مک‌لینگ^۶، ۱۹۷۶). به ویژه، مدیران ارشد در ایران در مقایسه با هم‌تایان خود در کشورهای توسعه‌یافته با سیستم‌های نظارتی مؤثر، با محدودیت‌های کمتری روبرو هستند و اختیار بیشتری در مورد میزان اطلاعاتی که برای ذینفعان افشا می‌کنند، دارند (اورادی و همکاران^۷، ۲۰۲۰). بنابراین، آن‌ها ممکن است سطح افشاها را برای محافظت از منافع خود کاهش دهند و در نتیجه افشای اطلاعات سرمایه فکری کمتر شود. مهارت‌های مدیریتی به عنوان پایه‌ای برای توضیح نوآوری کسب‌وکار عمل می‌کنند، زیرا مهارت‌ها و شایستگی‌های مدیریتی برای نوآوری برای مدیریت یک شرکت بسیار مهم است. مطالعات مربوط به "فرهنگ" سازمان یا سبک‌های "رهبری" به دنبال شناسایی

¹- Huynh, N., Le, Q. N., & Tran, Q. T.

²- Rossi, M., Festa, G., Ch, S., Fait, M. and Papa, A

³- Nadeem, M., Zaman, R., Suleman, T., & Atawnah, N

⁴- Rajabalizadeh, J., & Oradi, J.

⁵- Oradi, J

⁶- Jensen, M. and Meckling, W

⁷- Oradi, J., Asiaei, K. and Rezaee, Z.

مهارت‌ها، ویژگی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای شخصی در مدیران بوده تا در فرآیندهای مدیریتی آن‌ها موثر واقع شود. در مقابل، کمبود مطالعات مرتبط با مهارت‌های مدیریتی و عملکرد نوآوری وجود دارد (ریجو^۱، ۲۰۲۰). شرکت‌ها به دنبال مدیرانی در پست‌های مدیریتی و رهبری هستند که دانش و مهارت‌های لازم برای اثربخشی را داشته باشند، اما بیش از پیش مدیرانی را می‌خواهند که بتوانند فرهنگ نوآوری ایجاد کنند که به شرکت در دستیابی به اهداف رشد کمک کند (پدرازا رودریگز و همکاران^۲، ۲۰۲۳). با توجه به توضیحات ارائه شده پژوهش حاضر با هدف تأثیر توانایی مدیران بر سرمایه گذاری در سرمایه فکری به بررسی می‌پردازد. لذا در همین راستا سوال زیر مطرح می‌گردد: آیا توانایی مدیران بر سرمایه گذاری در سرمایه فکری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر گذارند یا خیر؟

مبانی نظری و مروری بر پژوهش‌های گذشته

امروزه، سرمایه فکری نقش بسیار مهمی در افزایش ارزش سازمان‌ها در اقتصادهای مبتنی بر دانش ایفا می‌کند (ادوینسون^۳، ۲۰۱۳). به طور خاص، اطلاعات سرمایه فکری به عنوان یکی از اقلام حیاتی اطلاعات غیرمالی نقش اساسی در تصمیم‌گیری ذینفعان ایفا می‌کند (لی و هنیفا^۴، ۲۰۰۸) و ارزش واقعی یک شرکت را از طریق شناسایی روابط جدید یا پنهان بین انواع مختلف دارایی‌ها آشکار می‌نماید. (حاجی^۵، ۲۰۱۵). سه جزء اصلی در شکل‌گیری سرمایه فکری وجود دارد که شامل سرمایه انسانی، نوآوری و سرمایه مشتری است (مرادی شهدادی و پودات، ۱۴۰۲). با این حال، هنوز هیچ مقررات صریحی در مورد گزارش سرمایه فکری وجود ندارد؛ لذا اطلاعات مربوط به سرمایه فکری به طور داوطلبانه افشا می‌شود (دامی و کای^۶، ۲۰۱۴). این ناهماهنگی باعث ایجاد مشکلاتی برای سرمایه‌گذاران در ارزیابی شرکت‌ها می‌گردد که منجر به کاهش اطلاعات مربوط به ارزش سرمایه گذاری‌ها می‌شود. بر این اساس، افزایش افشای اطلاعات سرمایه فکری ممکن است منجر به درجه پایین‌تر اطلاعات بین مدیران و سهامداران گردد و نیازمند ارزیابی دقیق‌تری باشد. ادبیات قبلی نشان می‌دهد که افشای اطلاعات سرمایه فکری منجر به کاهش هزینه سرمایه و افزایش بازار سهام خواهد شد (سالوی و دیگران^۷، ۲۰۲۰). مطالعات قبلی همچنین عوامل تعیین‌کننده افشای سرمایه فکری مانند ویژگی‌های خاص شرکت (اندازه، عملکرد، پیچیدگی و غیره) را مستند کرده‌اند (سیرام^۸، ۲۰۲۰). خصیصه ضروری مدیریتی توانایی مدیران عمدتاً از دانش یک مدیر از بازار، برنامه‌های شرکت و فناوری ناشی می‌شود (کور^۹، ۲۰۰۳). مدیران توانمند در درک پویایی‌های فن‌آوری و بازار، پیش‌بینی دقیق بازار محصول، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با سود بالا و مدیریت کارکنان در مقایسه با هم‌تایان خود بهتر هستند (دمرجیان و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۲). مدیران با توانایی بالا ممکن است اطلاعات دقیق‌تری در مورد فرصت‌های سرمایه گذاری به

¹- Riggio, R.E.

²- Pedraza-Rodríguez, J. A., Ruiz-Vélez, A., Sánchez-Rodríguez, M. I., & Fernández-Esquinas, M

³- Edvinsson, L

⁴- Li, J., Pike, R. and Haniffa, R

⁵- Haji, A.A

⁶- Dumay, J. and Cai, L.

⁷- Salvi, A., Vitolla, F., Raimo, N., Rubino, M. and Petruzzella, F

⁸- Sriram, M

⁹- Kor, Y.Y

¹⁰- Demerjian, P., Lev, B. and McVay, S

دست آورند و به آن‌ها امکان می‌دهد تا تصمیمات سرمایه‌گذاری آگاهانه را با شانس موفقیت بالاتری اتخاذ نمایند (حسن^۱، ۲۰۲۰). از آنجایی که مدیران توانمندتر دانش بیشتری از محرک‌های عملکرد شرکت دارند، می‌توانند بهتر به فشارهای اقتصادی و بازار رقابتی پاسخ دهند (کوی و همکاران^۲، ۲۰۱۹). استفاده بهتر از منابع سازمانی سبب می‌شود توانایی مدیران به منظور مقابله با عدم اطمینان محیطی و درک فرصت‌های سرمایه‌گذاری مطلوب بیشتر شود (یوان و همکاران^۳، ۲۰۱۷). بنابراین، مدیران توانمند به احتمال زیاد استراتژی‌های نوآورانه را اتخاذ می‌کنند، که ممکن است بر ریسک‌پذیری و تفسیر و پاسخ به شرایط محیطی تأثیر بگذارد (یونگ و چن^۴، ۲۰۱۸). چمنور و پاگلیس^۵ (۲۰۰۵) دریافتند که مدیران با توانایی بالا می‌توانند عملکرد شرکت را بهبود بخشند زیرا ممکن است پروژه‌های سودآورتری را با استفاده از درآمدهای عرضه اولیه (IPO) انتخاب کنند. یافته‌های این پژوهش‌ها عمدتاً از نظریه‌های پایه بالایی حمایت می‌کنند که بر عملکرد شرکت و تصمیمات گزارش‌دهی تأثیر می‌گذارد (همبریک^۶، ۲۰۰۷). اگرچه ادبیات قبلی نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با مدیران توانمند، افشای کیفیت بالاتر و عملکرد بهتری را تجربه می‌کنند، اما معتقدند که پیامدهای مدیران توانمند می‌تواند بسته به سابقه سازمانی کشور، در ایران، متفاوت باشد. مقررات و حمایت نسبتاً ضعیف از سهامدار، منجر به شکست حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بورسی می‌گردد (اورادی و همکاران، ۲۰۲۱). علاوه بر این، مدیران شرکت‌های ایرانی در کشورهای توسعه‌یافته با شیوه‌های حاکمیت شرکتی مناسب، محدودیت‌های کمتری را تجربه می‌نمایند. بنابراین، آن‌ها آزادی بیشتری با توجه به ویژگی‌ها و ترجیحات خود دارند که بر سطح افشای اطلاعات تأثیر می‌گذارد. تئوری نمایندگی بیان می‌کند که مدیران ممکن است تصمیماتی بگیرند که به آن‌ها کمک کند تا منافع خود را دنبال کنند و منافع سهامداران را نادیده بگیرند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶). طبق این نظریه، تضاد منافع احتمالی بین مدیران و سهامداران عموماً به دلیل ناتوانی مالکان در نظارت مؤثر بر مدیران است (کربونی و پاربونتتی^۷، ۲۰۰۷). ادبیات قبلی نشان می‌دهد که افشای داوطلبانه به کاهش عدم تقارن اطلاعات و در نتیجه تضادهای نمایندگی کمک می‌کند، و شیوه‌های حاکمیت شرکتی ضعیف، مدیران را از افشای اطلاعات سرمایه‌گذاری منصرف می‌کند (به عنوان مثال: حاجی، ۲۰۱۵). به عبارت دیگر، عملکرد ضعیف حاکمیت شرکتی عامل اساسی رفتار مخرب مدیران است. بنابراین، در شرکت‌های ایرانی، فقدان مکانیسم‌های نظارتی قوی که قادر به محافظت از منافع سهامداران باشد، ممکن است مدیران را وادار کند تا درجه پایین‌تری از اطلاعات سرمایه‌گذاری را افشا کنند تا منافع خود را به حداکثر برسانند (رجبعلی زاده و اورادی، ۲۰۲۲).

در ادامه به پژوهش‌های علمی مرتبط اشاره می‌شود:

هون و همکاران (۲۰۲۴) در پژوهشی به نقش اهمیت توانایی مدیران بر ریسک‌های سیاسی و سرمایه‌گذاری در سطح شرکت پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که شرکت‌هایی با ریسک‌های سیاسی بالاتر، سرمایه‌گذاری خود را در سرمایه‌گذاری فکری کاهش می‌دهند.

¹- Hasan, M.M

²- Cui, H., Chen, C., Zhang, Y. and Zhu, X

³- Yuan, Y., Tian, G., Lu, L.Y. and Yu, Y

⁴- Yung, K. and Chen, C.

⁵- Chemmanur, T.J. and Paeglis, I.I

⁶- Hambrick, D

⁷- Cerbioni, F. and Parbonetti, A

دهند. این تأثیر بیشتر برای شرکت‌های با فناوری پیشرفته و شرکت‌هایی با مشکلات مالی بالا، وابستگی مالی خارجی و مالکیت نهادهی پایین‌تر است. علاوه بر این، توانایی مدیریتی می‌تواند از یک بعد قابل توجه (حدود ۲۰٪ تا ۴۰٪) از تأثیر مخرب ریسک سیاسی بر سرمایه‌گذاری فکری، که همچنین توسط ویژگی‌های خاص شرکت هدایت می‌شود، جلوگیری نماید. ندیم و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی "توانایی مدیر عامل، نگرانی‌های شغلی، چرخه عمر شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری در سرمایه فکری" پرداختند. توانایی مدیریتی مدیران عامل رابطه مثبت قابل توجهی با سرمایه‌گذاری بر روی نیروی انسانی، نوآوری و سرمایه رابطه ای دارد. شهزاد و دیگران^۱ (۲۰۲۱) در پژوهشی طی عنوان "آیا کارآیی سرمایه فکری رابطه مسئولیت اجتماعی شرکت با مشارکت عملکرد شرکت را توضیح می‌دهد، به بررسی پرداختند. یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی تأثیر قابل توجهی بر عملکرد شرکت دارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که مسئولیت اجتماعی با سرمایه فکری ارتباط دارد و به طور غیر مستقیم بر عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد و ارتباط بین مسئولیت اجتماعی و عملکرد شرکت تا حدی با بهره‌وری سرمایه فکری واسطه می‌شود. لی و همکاران^۲ (۲۰۲۱) در پژوهشی به بررسی "اثر اندازه و گزینه‌های رشد در چرخه عمر شرکت" پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که اعمال گزینه‌های رشد باعث ایجاد الگوی نزولی از تأثیر اندازه در چرخه عمر شرکت می‌شود، در حالی که گزینه‌های جدید رشد ایجاد شده توسط تحقیق و توسعه یا سرمایه‌گذاری‌های نوآورانه می‌تواند اثر اندازه را تشدید کند. مرادی شهدادی و بودات (۱۴۰۲) در پژوهشی نقش کارایی سرمایه فکری بر ارتباط میان تعهد اجتماعی شرکت و عملکرد مالی را مورد بررسی قرار دادند. نتیجه فرضیه اول نشان داد که بین تعهد اجتماعی شرکت و عملکرد مالی ارتباط مثبت و معناداری برقرار است. نتیجه فرضیه دوم حاکی از آن بود که بین تعهد اجتماعی شرکت و سرمایه فکری ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. در نهایت در فرضیه سوم یافته‌ها بیانگر این بود که نقش میانجی سرمایه فکری بر رابطه بین تعهد اجتماعی شرکت و عملکرد مالی مثبت و معنادار است. شهریار و فدایی (۱۳۹۹) در پژوهشی به بررسی "تأثیر توانایی مدیران بر ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش دوره تصدی مدیرعامل و رقابت در بازار محصول" پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که توانایی مدیران تأثیر معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. همچنین نتایج نشان داد که با در نظر گرفتن نقش تعدیل کنندگی دوره تصدی مدیر عامل، توانایی مدیران تأثیر معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. سایر نتایج نشان داد که با در نظر گرفتن نقش تعدیل کنندگی رقابت در بازار محصول، توانایی مدیران تأثیر معناداری بر ریسک سقوط قیمت سهام دارد. شاه‌صاحبی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به "تحلیل توانایی مدیریت با تأکید بر نقش شاخص‌های حسابداری و حاکمیت شرکتی (روش هوش مصنوعی)" پرداختند. یافته‌های تجربی مربوط به بررسی ۱۷۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه‌ی زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۶، نشان می‌دهد که متغیرهای ریسک سیستماتیک، تغییر مدیر عامل، تمرکز مالکیت، تخصص مالی اعضای کمیته‌ی حسابرسی و بازده سهام نسبت به سایر متغیرها قدرت بالاتری در تبیین توانایی مدیریت با استفاده از روش انتخاب متغیر لارس دارند. در تحلیل این نتایج می‌توان بیان کرد مسایل اقتصادی، سیاسی و حاکمیت شرکتی بیشتر می‌تواند توانایی مدیر را نسبت به معیارهای عملکرد تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این از نتایج دیگر پژوهش می‌توان به این موضوع اشاره کرد

¹- Shahzad, F., Baig, M. H., Rehman, I. U., Saeed, A., & Asim, G. A

²- Li, Q., Liu, H., & Zeng, Y

که در مباحث حسابداری جهت تبیین و پیش بینی متغیرهای مالی پیوسته مانند توانایی مدیریت، می توان از الگوریتم های هوش مصنوعی خطی و غیرخطی استفاده نمود. قاسمی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی به "طراحی الگوی بومی سنجش سرمایه فکری با رویکرد آسیب شناسی در وزارت نفت" پرداختند. هدف این تحقیق طراحی الگوی بومی سنجش سرمایه فکری با رویکرد آسیب شناسی در وزارت نفت بود. با مرور ادبیات موضوع و همچنین انجام مصاحبه های خبرگی و تحلیل زمینه (تم)، ابعاد و مولفه های کلیدی سرمایه فکری در وزارت نفت، احصاء شد و با برقراری ارتباط منطقی میان این ابعاد و مولفه ها، مدل اولیه تحقیق پیشنهاد شد. این مدل از طریق پرسش نامه خبرگی و با استفاده از نظرات ۴۰ خبره آگاه به موضوع، به دست آمد. برای احصای مولفه های مدل نیز از نظرات ۱۸ نفر از خبرگان استفاده شد. اعتبار مدل پیشنهادی بر اساس نظر خبرگان مورد تایید قرار گرفت. بر اساس این مدل، سرمایه فکری وزارت نفت از سه جزء سرمایه انسانی، ساختاری و اجتماعی تشکیل می شود؛ سرمایه هایی که از هشت بعد و ۲۲ مولفه تشکیل شده اند. مدل ارایه شده می تواند به عنوان مبنایی برای سنجش سرمایه فکری در وزارت نفت مورد استفاده قرار گیرد. عشقی و عشقی (۱۳۹۹) در مقاله ای به "بررسی تاثیر مولفه های سرمایه فکری بر عملکرد مالی سازمان" پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که در سطح اطمینان ۹۵ درصد بین مولفه های متغیر سرمایه فکری و عملکرد مالی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

روش پژوهش

باتوجه به اینکه پژوهش حاضر با هدف تاثیر توانایی مدیران بر سرمایه گذاری در سرمایه فکری شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شده است، پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی و به لحاظ هدف، در دسته کاربردی و عملی قرار دارد. جهت سنجش متغیرهای پژوهش از صورت های مالی مندرج در سایت کدال و ره آورد استخراج و گردآوری و در راستای ارتباط بین متغیرها از روش آماری رگرسیون مبتنی بر داده های پنل طی بازه زمانی ۱۳۹۷-۱۴۰۱ استفاده شده است. شایان ذکر است بخش ادبیات این پژوهش برگرفته از مطالعات کتابخانه ای استفاده شده، به طوری که مطالعات کتابخانه ای شامل مجلات تخصصی لاتین و فارسی پژوهش های کاربردی می باشد. از طرفی جامعه آماری مورد بررسی پژوهش، شامل کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۹۷-۱۴۰۱ تشکیل می دهد؛ لذا به سبب گستردگی جامعه آماری از روش حذف سیستماتیک به منظور حجم نمونه استفاده شده است. شرایط حذف سیستماتیک بدین صورت اعمال شده است: ۱- حجم نمونه انتخابی، شامل موسسات مالی، بانک ها و بیمه ها نباشد. ۲- شرکت های زیان ده حذف شده است. ۳- شرکت هایی که طی ۳ ماه معامله نداشته اند حذف می شوند. ۴- شرکت هایی که از بورس خارج شده حذف گردیده ۵- شرکت هایی که اطلاعات ناقص داشته اند نیز حذف شده اند. باتوجه به اعمال شرایط فوق ۱۰۵ شرکت به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید.

جدول ۱- نحوه انتخاب حجم نمونه

عنوان	تعداد
کل شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران	۵۴۲
کسر می‌شود: موسسات مالی و بانک‌ها و بیمه‌ها	۶۸
کسر می‌شود: شرکت‌هایی که سال مالی آنها به ۲۹ اسفند ختم نمی‌شوند.	۷۲
کسر می‌شود: شرکت‌هایی که در طی قلمرو زمانی از بورس برون رفت داشته‌اند.	۶۵
کسر می‌شود: شرکت‌هایی که در طی قلمرو زمانی زیان داشته‌اند.	۵۳
کسر می‌شود: شرکت‌هایی که وقفه معاملاتی داشته‌اند.	۴۳
کسر می‌شود: شرکت‌هایی که اطلاعات ناقص داشته‌اند.	۱۳۶
حجم نمونه	۱۰۵

از پیش‌آزمون مهم رگرسیون نرمال بودن باقیمانده‌های مدل رگرسیونی می‌باشد که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. در این مطالعه نرمال بودن باقی مانده مدل از طریق چولگی و کشیدگی مورد بررسی واقع شده؛ به‌طوری‌که اگر مقادیر چولگی و کشیدگی بین صفر تا ۶ باشد، می‌توان گفت باقی مانده مدل از توزیع نرمال کافی برخوردار است؛ در غیر این صورت بایستی متغیرها را نرمال‌سازی نمود. به منظور تخمین مدل‌های این پژوهش جهت آزمون فرضیه‌ها، نخست مدل رگرسیون را با بهره‌وری از داده‌های ترکیبی اثرات ثابت و تصادفی برای ۵ سال طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۴۰۱ و در مجموع ۵۲۵ مشاهده (سال-شرکت) مورد آزمون قرار گرفته است. جهت انجام کلیه آزمون‌های پژوهش از نرم افزار ایویوز ۱۲ استفاده شده است.

فرضیه پژوهش

توانایی مدیران بر سرمایه گذاری در سرمایه فکری تأثیر معناداری دارد.

مدل تحلیلی پژوهش

$$IC_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 MA + \beta_2 GENDER + \beta_3 BSIZE + \beta_4 BINDE + \beta_5 FSIZE + \beta_6 MB + \beta_7 LEV + \beta_8 COF + \beta_8 DIV + \varepsilon_0$$

مدل فوق بر اساس پژوهش ندیم و همکاران (۲۰۲۱) می‌باشد. در این مدل سرمایه گذاری‌های سرمایه فکری (IC) به عنوان متغیر وابسته و توانایی مدیران عامل (MA)^۱ متغیر مستقل است. هم چنین متغیرهای کنترلی در این مدل شامل: جنسیت (GENDER)، اندازه هیأت مدیره (BSIZE)، استقلال هیأت مدیره (BINDE)، اندازه شرکت (FSIZE)، ارزش بازار بر ارزش دفتری (MB)، اهرم مالی (LEV)، جریان‌های نقدی (COF)، سود تقسیمی (DIV) می‌باشد.

^۱ - Managerial Ability

نحوه محاسبه متغیرها:

سرمایه فکری (IC): متشکل از سرمایه انسانی (کل هزینه پرسنل بر کل دارایی‌ها)، سرمایه نوآوری (مجموع هزینه های تحقیق و توسعه بر کل دارایی‌ها)، سرمایه رابطه ای (کل هزینه فروش اداری بر کل دارایی‌ها) می باشد. لگاریتم مجموع سه مؤلفه سرمایه انسانی، سرمایه نوآوری و سرمایه رابطه ای به عنوان سرمایه فکری استفاده می نماییم.

توانایی مدیران (MA): کارایی مدیران نسبت به رقبا در تبدیل منافع شرکت به درآمد می باشد (دمرجیان و همکاران^۱، ۲۰۱۲). سنجش توانایی مدیریتی بر اساس پژوهش (ثقفی، عالی فامیان، ۱۳۹۷؛ مرادی شهدادی و صادقی، ۱۴۰۱؛ دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲): جهت اندازه گیری این متغیر ابتدا کارایی شرکت به کمک روش تحلیل پوششی داده ها محاسبه می شود. تحلیل پوششی داده ها، اثر بخشی نسبی واحدهایی که ورودی و خروجی مشابهی دارند را مورد سنجش قرار می دهد. کارایی یا ناکارایی هر واحد تصمیم گیرنده به عملکرد آن واحد در انتقال ورودی ها به خروجی هایش در مقایسه با دیگر واحدها در حوزه ای خاص، بستگی دارد. در این روش، مرز کارایی را بین صفر و یک برای شرکت ها خلق می کند. شرکت هایی با نمره کارایی یک، شرکت هایی بسیار کارا هستند و شرکت هایی با نمره کارایی کمتر از یک زیر مرز کارایی قرار دارند و باید با کاهش هزینه ها یا افزایش درآمدها به مرز کارایی برسند (دمرجیان و همکاران، ۲۰۱۲). در این پژوهش مشابه روش ذکر شده به منظور بیان خروجی شرکت از متغیر فروش شرکت استفاده می نماید و برای ورودی از دارایی های ثابت، دارایی های نامشهود، بهای تمام شده، هزینه های اداری، عمومی و فروش استفاده می نماید. در مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) برای ورودی از مخارج تحقیق و توسعه، خالص اجاره عملیاتی و سرقفلی هم استفاده شده است که به دلیل دسترسی نداشتن به برخی داده ها، این متغیر در مدل لحاظ نشده است. مدل های زیر برای سنجش کارایی شرکت استفاده می گردد:

$$MAX\theta = \frac{SALE_{i,t}}{v1COGS_{i,t} + v2SG\&A_{i,t} + v3PPE_{i,t} + v4OtherINT_{i,t}}$$

در این مدل $Sale_{i,t}$ در آمد حاصل از فروش؛ $COGS_{i,t}$ بهای تمام شده کالای فروش رفته؛ $SG\&A_{i,t}$ هزینه های اداری عمومی و فروش؛ $PPE_{i,t}$ خالص دارایی های ثابت؛ $OtherINT_{i,t}$ دارایی نامشهود برای شرکت و MAX کارایی شرکت است. کارایی شرکت ها متأثر از دو عامل ویژگی های خاص شرکتی و توانایی مدیران است، پس از حذف ویژگی های خاص شرکتی، مقدار باقی مانده بیان کننده توانایی های مدیر می باشد.

$$Firm\ Efficiency = \beta_0 + \beta_1 \ln Total\ Assets + \beta_2 Market\ Share + \beta_3 Positive\ Free\ Cash\ Flow + \beta_4 \ln Age + \beta_5 Foreign\ Currency\ Indicator + \varepsilon_0$$

که در این مدل، $Firm\ Efficiency$ بیان کننده امتیاز کارایی شرکت از طریق روش تحلیل پوششی داده ها، $Total\ Assets$ معرف جمع دارایی ها سپس لگاریتم گرفته می شود؛ $Market\ Share$ سهم از بازار است که برای شرکت ها از رابطه پایین به دست می آید:

$Market\ Share$: مبلغ فروش در سال t تقسیم بر مبلغ فروش کل صنعت در پایان سال t

¹ - Demerjian, P.R., Lev, B., Lewis, M.F., McVay, S.E

Free Cash Flow: بیانگر جریان های نقد آزاد مثبت است. اگر شرکتی جریان نقد مثبت داشته باشد، جریان نقد آزاد برابر یک و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته می شود.

جریان نقد آزاد = سود عملیاتی + هزینه استهلاک - مالیات بر درآمد - هزینه بهره - سود سهام تقسیمی

Age: تعداد سال های فعالیت شرکت از زمان تأسیس می باشد سپس لگاریتم گرفته می شود.

Foreign Currency Indicator: نماد ارز خارجی و متغیر مجازی است در صورتی که شرکتی صادرات داشته باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته می شود.

جنسیت (Gender): اگر مدیرعامل زن باشد عدد یک در غیر این صورت صفر؛ **اندازه هیئت مدیره (BSIZE):**

تعداد اعضای هیئت مدیره؛ **اعضای مستقل هیأت مدیره (BINDE):** نسبت مدیران مستقل به کل مدیران؛ **اندازه**

شرکت (FSIZE): لگاریتم طبیعی مجموع دارایی ها؛ **ارزش بازار بر ارزش دفتری (MB):** از تقسیم ارزش بازار بر

ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام؛ **اهرم مالی (LEV):** از تقسیم بدهی کل بر دارایی کل؛ **جریان نقدی (COF):**

لگاریتم جریان های نقدی؛ **سود تقسیمی (DIV):** لگاریتم طبیعی سود کل نقدی پرداخت شده در یک سال

یافته‌ها

آماره توصیفی

جدول ۲- آماره توصیفی

	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار
سرمایه فکری	۱,۱۹	۱,۱۲	۲,۵۴	۰,۶۰	۰,۲۸
توانایی مدیران	۰,۰۹	۰,۰۷	۰,۵۵	۰,۰۰۰۲	۰,۰۷
جنسیت	۰,۰۶	۰	۱	۰	۰,۲۴
اندازه هیئت مدیره	۵,۰۳	۵	۷	۵	۰,۲۴
اعضای مستقل هیأت مدیره	۰,۵۶	۰,۵۷	۱	۰,۱۱	۰,۱۸
اندازه شرکت	۱۵,۰۸	۱۴,۸۴	۲۰,۷۶	۱۱,۳۶	۱,۶۰
ارزش بازار بر ارزش دفتری	۴۹,۱۵	۴۸,۲۵	۸۰,۴۸	۲۰,۱۶	۱۰,۹۰
اهرم مالی	۰,۳۴	۰,۳۱	۰,۶۹	۰,۰۳	۰,۲۷
جریان نقدی	۴,۴۸	۵,۴۵	۸,۲۷	۲,۶۳	۰,۹۶
سود تقسیمی	۰,۱۱	۰,۰۳	۳,۱۱	۰	۰,۲۰

همان‌طور که جدول ۲. نشان می‌دهد به طور میانگین شرکت‌ها ۱,۱۹ از سرمایه فکری استفاده می‌نمایند که این مقدار در صورتی که افزایش پیدا کند به طبع شرایط عملکردی شرکت بهتر می‌شود. از طرفی نتایج آماره توصیفی نشان می‌دهد که به طور میانگین توانایی مدیران با مقدار ۰,۰۹ برای شرکت‌ها کارایی داشته است که این مقدار در برخی مواقع با مقدار افزایشی ۰,۵۵ بهترین استفاده از منابع به منظور ثبات و تقویت شرکت وجود داشته است.

نرمال بودن متغیرهای پژوهش

جدول ۳- نرمال بودن متغیرهای پژوهش

باقی مانده مدل	چولگی	کشیدگی	نتیجه
مدل	۰,۱۵	۴,۰۸	نرمال می باشد.

همان طور که جدول ۳، نشان می دهد مقدار چولگی و کشیدگی باقی مانده مدل بین صفر تا ۶ قرار دارد که این مقدار بیانگر نرمال بودن باقی مانده مدل می باشد.

نتیجه آزمون فرضیه: توانایی مدیران بر سرمایه گذاری در سرمایه فکری تأثیر معناداری دارد.

جدول ۴- نتیجه آزمون فرضیه پژوهش

عنوان متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره تی	معناداری	نتیجه
جزء ثابت	۱,۲۹	۰,۰۵۹	۲۲,۰۱	۰,۰۰	مستقیم و معنی دار
توانایی مدیران	۰,۰۶۰	۰,۰۱۶	۳,۶۹	۰,۰۰	مستقیم و معنی دار
جنسیت	-۰,۰۰۱	۰,۰۰۶	-۰,۲۹	۰,۷۶	بی معنی
اندازه هیأت مدیره	۰,۱۴۱	۰,۰۵۷	۲,۴۳	۰,۰۰	مستقیم و معنی دار
اعضای مستقل هیأت مدیره	۰,۲۰	۰,۰۷۶	۲,۶۵	۰,۰۰	مستقیم و معنی دار
اندازه شرکت	۰,۰۵۸	۰,۰۲۲	۲,۵۷	۰,۰۰	مستقیم و معنی دار
ارزش بازار بر ارزش دفتری	۰,۵۵	۰,۱۷	۳,۰۸	۰,۰۰	مستقیم و معنی دار
اهرم مالی	۰,۰۰۲	۰,۰۰۹	۰,۲۹	۰,۷۶	بی معنی
جریان نقدی	۰,۴۵	۰,۱۵	۲,۹۶	۰,۰۰	مستقیم و معنی دار
سود تقسیمی	۰,۴۷	۰,۲۰	۲,۲۸	۰,۰۰	مستقیم و معنی دار
ضریب تعیین: ۰,۹۰	دوربین واتسون:		آماره F:		سطح اهمیت: ۰,۰۰۰
	۱,۶۶		۳۶,۱۶		

توجه به جدول ۴، مشخص می شود کل مدل با توجه به اینکه مقدار احتمال آماره سطح اهمیت برابر با (۰,۰۰) و کمتر از (۰,۰۵) است، لذا از لحاظ معنی داری مدل تایید می گردد. ضریب تعیین مدل نیز گویای آن است که (۰,۹۰) از سرمایه گذاری در سرمایه فکری شرکت ها توسط متغیرهای وارد شده در مدل قابل پیش بینی است. در بررسی معنی داری ضرایب با توجه به آماره مشخص می شود که سطح معنی داری برای متغیر توانایی مدیران برابر با (۰,۰۰) و از (۰,۰۵) کمتر است، لذا وجود ارتباط معنی داری بین توانایی مدیران و سرمایه گذاری در سرمایه فکری شرکت ها تایید می شود. بنابر این فرضیه پژوهش تایید می گردد. مثبت بودن ضریب توانایی مدیران (۰,۰۶) حاکی از آن است که ارتباط مستقیم با متغیر وابسته یعنی سرمایه گذاری در سرمایه فکری شرکت ها وجود دارد. یعنی با افزایش یک واحدی توانایی مدیران، سرمایه گذاری در سرمایه فکری شرکت ها به میزان (۰,۰۶) افزایش می یابد. نتایج به دست آمده بیانگر این است که مدیران با تکیه بر سرمایه فکری

می‌توانند کارکرد شرکت‌ها را بهبود بخشند، مدیران با به کارگیری از کارکنان توانمند قادرند شرکت‌ها را به اهداف استراتژیکی مشخص شده به نتیجه رسانند. این امر می‌تواند با توسعه زیر ساخت‌ها، آموزش کارکنان و برگزاری سمینارها سرمایه انسانی را تقویت نموده و ضمن تقویت نیروهای کارآمد سبب ثبات و بهبود عملکرد شرکت شود. توانایی مدیران برگرفته از تجارب به سبب سال‌هایی که در شرکت یا سازمان مشغول بوده می‌تواند کارایی شرکت را افزایش دهد و پایداری شرکت را بیشتر نماید. از طرفی تعداد اعضای هیأت مدیره بهتر است از تعداد مشخصی که همواره وجود دارد کمتر نباشد چراکه نتایج نشانگر تاثیر مستقیم این متغیر دارد. اعضای هیأت مدیره با تعامل می‌توانند عدم کارایی شرکت را شناسایی نموده و بحران‌هایی نظیر محدودیت مالی از طریق کنترل دارایی و سرمایه گذاری به موقع در پروژه‌های سودآور، وضعیت شرکت‌ها را در حد مطلوبی نگه دارند. باتوجه به اینکه طریق تقسیم سود میتواند در چرخه عمر شرکت‌ها نقش اساسی ایفا کند و سهامداران بیشتری را به سمت سرمایه گذاری بیشتر سوق می‌دهد، لذا باتوجه به نتایج بهتر است سود نقدی بیشتری مورد تصویب واقع شود.

منابع

۱. ثقفی، علی، عالی فامیان، مجتبی. (۱۳۹۸). رابطه بین توانایی مدیریت و حق‌الزحمه حسابرسی با تأکید بر نقش درماندگی مالی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۹(۳)، ۲۲۱-۲۴۴. doi: 10.22051/jera.2018.19457.2000
۲. عشقی، محمد؛ عشقی، حسن، (۱۳۹۹). بررسی تاثیر مولفه های سرمایه فکری بر عملکرد مالی سازمان، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۴(۵۰)، ۳۳-۴۷.
۳. شهریاری، امیرحسین؛ فدایی، مهدی، (۱۳۹۹). تاثیر توانایی مدیران بر ریسک سقوط قیمت سهام با در نظر گرفتن نقش دوره تصدی مدیرعامل و رقابت در بازار محصول، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۴(۴۶)، ۱۶-۳۶.
۴. شاه صاحبی، سید مصطفی؛ دارابی، رویا؛ حمیدیان، محسن، (۱۳۹۹). تحلیل توانایی مدیریت با تاکید بر نقش شاخص های حسابداری و حاکمیت شرکتی (روش هوش مصنوعی)، فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۹(۳۳)، ۷۵-۹۰.
۵. قاسمی، فریدون؛ دانش فرد، کرم الله؛ نجف بیگی، رضا؛ افشار کاظمی، محمدعلی، (۱۳۹۹). طراحی الگوی بومی سنجش سرمایه فکری با رویکرد آسیب شناسی در وزارت نفت، نشریه مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی، ۱۱(۴۴)، ۲۱۱-۲۳۸.
۶. مرادی شهدادی، خسرو؛ پودات، کامران، (۱۴۰۲)، نقش کارایی سرمایه فکری بر ارتباط میان تعهد اجتماعی شرکت و عملکرد مالی (شواهدی از عملکرد زیست محیطی، اجتماعی و حاکمیتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)، مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، مقاله ۸، دوره ۱۴، شماره ۵۷، دی ۱۴۰۲

۷. مرادی شهدادی، خسرو؛ صادقی، مریم، (۱۴۰۱)، بررسی ارتباط میان سرمایه سازمانی، اجتناب از مالیات و ارزش شرکت (شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران)، پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی سال ششم بهار ۱۴۰۱ شماره ۲۰ جلد دوم.

8. Cerbioni, F. and Parbonetti, A. (2007), "Exploring the effects of corporate governance on intellectual capital disclosure: an analysis of European biotechnology companies", *European Accounting Review*, Vol. 16 No. 4, pp. 791-826.
9. Chemmanur, T.J. and Paeglis, I.I. (2005), "Management quality, certification, and initial public offerings", *Journal of Financial Economics*, Vol. 76 No. 2, pp. 331-368.
10. Cui, H., Chen, C., Zhang, Y. and Zhu, X. (2019), "Managerial ability and stock price crash risk", *AsiaPacific Journal of Accounting and Economics*, Vol. 26 No. 5, pp. 532-554.
11. Demerjian, P.R., Lev, B., Lewis, M.F., McVay, S.E., 2012. Managerial ability and earnings quality. *Account. Rev.* 88 (2), 463-498.
12. Demerjian, P., Lev, B. and McVay, S. (2012), "Quantifying managerial ability: a new measure and validity tests", *Management Science*, Vol. 58 No. 7, pp. 1229-1248
13. Dumay, J. and Cai, L. (2014), "A review and critique of content analysis as a methodology for inquiring into IC disclosure", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 15 No. 2, pp. 264-290.
14. Edvinsson, L. (2013), "IC 21 – reflections from 21 years of IC practice and theory", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 14 No. 1, pp. 163-172.
15. Haji, A.A. (2015), "The role of audit committee attributes in intellectual capital disclosures", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 30 Nos 8-9, pp. 756-784.
16. Hambrick, D. (2007), "Upper echelons theory: an update", *Academy of Management Review*, Vol. 32 No. 2, pp. 334-343.
17. Hasan, M.M. (2020), "Readability of narrative disclosures in 10-K reports: does managerial ability matter?" *European Accounting Review*, Vol. 29 No. 1, pp. 147-168.
18. Huynh, N., Le, Q. N., & Tran, Q. T. (2024). Firm-level political risk and intellectual capital investment: Does managerial ability matter?. *International Review of Financial Analysis*, 91, 103020.
19. Jensen, M. and Meckling, W. (1976), "Theory of the firm: managerial behavior, agency costs and ownership structure", *Journal of Financial Economics*, Vol. 3 No. 4, pp. 305-360.
20. Kor, Y.Y. (2003), "Experience-based top management team competence and sustained growth", *Organization Science*, Vol. 14 No. 6, pp. 707-719.
21. Li, Q., Liu, H., & Zeng, Y. (2021). Size effect and growth options over firm lifecycle. *Journal of Management Science and Engineering*. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jmse.2021.05.001>.
22. Li, J., Pike, R. and Haniffa, R. (2008), "Intellectual capital disclosure and corporate governance structure in UK firms", *Accounting and Business Research*, Vol. 38 No. 2, pp. 137-159
23. Nadeem, M., Zaman, R., Suleman, T., & Atawnah, N. (2021). CEO ability, career concerns, firms' lifecycle and investments in intellectual capital. *International Review of Economics & Finance*, 75, 237-251. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.iref.2021.04.023>.
24. Oradi, J. (2021), "CEO succession origin, audit report lag, and audit fees: evidence from Iran", *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, In Press. doi: 10.1016/j.intaccaudtax.2021. 100414.
25. Oradi, J., Asiaei, K. and Rezaee, Z. (2020), "CEO financial background and internal control weaknesses", *Corporate Governance: An International Review*, Vol. 28 No. 2, pp. 119-140.

26. Pedraza-Rodríguez, J. A., Ruiz-Vélez, A., Sánchez-Rodríguez, M. I., & Fernández-Esquinas, M. (2023). Management skills and organizational culture as sources of innovation for firms in peripheral regions. *Technological Forecasting and Social Change*, 191, 122518.
27. Rajabalizadeh, J. and Oradi, J. (2022), "Managerial ability and intellectual capital disclosure", *Asian Review of Accounting*, Vol. 30 No. 1, pp. 59-76. <https://doi.org/10.1108/ARA-11-2020-0180>.
28. Riggio, R.E., (2020). Social skills in the workplace. In: *The Wiley Encyclopedia of Personality and Individual Differences: Clinical, Applied, and Cross-Cultural Research*, pp. 527–531.
29. Rossi, M., Festa, G., Ch, S., Fait, M. and Papa, A. (2021), "The effects of business ethics and corporate social responsibility on intellectual capital voluntary disclosure", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 22 No. 7, pp. 1-23.
30. Salvi, A., Vitolla, F., Raimo, N., Rubino, M. and Petruzzella, F. (2020), "Does intellectual capital disclosure affect the cost of equity capital? An empirical analysis in the integrated reporting context", *Journal of Intellectual Capital*, Vol. 21 No. 6, pp. 985-1007.
31. Shahzad, F., Baig, M. H., Rehman, I. U., Saeed, A., & Asim, G. A. (2021). Does intellectual capital efficiency explain corporate social responsibility engagement-firm performance relationship? Evidence from environmental, social and governance performance of US listed firms. *Borsa Istanbul Review*. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.bir.2021.05.003>.
32. Sriram, M. (2020), "Do firm specific characteristics and industry classification corroborate voluntary disclosure of financial ratios: an empirical investigation of S&P CNX 500 companies", *Journal of Management and Governance*, Vol. 24 No. 1, pp. 431-448.
33. Yuan, Y., Tian, G., Lu, L.Y. and Yu, Y. (2017), "CEO ability and corporate social responsibility", *Journal of Business Ethics*, Vol. 157 No. 2, pp. 391-411.
34. Yung, K. and Chen, C. (2018), "Managerial ability and firm risk-taking behavior", *Review of Quantitative Finance and Accounting*, Vol. 51 No. 4, pp. 1005-1032.

The Impact of Managerial Ability on Investment in Intellectual Capital of Companies

Hamed Bahrami Saadat Abadi¹
Khosro Moradi Shahdadi^{*2}

Abstract

The business environment of companies is growing rapidly and is very competitive, and in order to survive, companies have to compete with several factors at the national and international level and expand their activities through new investments. Companies need financial resources for investment, so this matter should be well defined according to the way of using the resources so that the company can be profitable and it is the duty of the financial manager to determine the sources of supply and how to use them. Due to the importance of this issue, the present research was conducted with the aim of investigating the effect of managers' ability on investment in intellectual capital during the years 2018 to 2022. The research method is correlation based on panel data. In this regard, the statistical population of this research consists of all the companies listed in Tehran Stock Exchange, which were selected by systematic elimination of 105 companies. The results regarding the research hypothesis showed that the ability of managers to invest in intellectual capital has a direct and significant effect.

Keywords

Managerial Ability, Intellectual Capital, Human Resources, Innovation

1-Master of Financial Management, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran

2- Department of Financial Management, Qeshm Branch, Islamic Azad University, Qeshm, Iran, Email: Khosro.moradi@iau.ac.ir (Corresponding Author)